

هنر سوزن‌دوزی در بلوچستان

زیور دکالی

کارشناس الهیات و معارف اسلامی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان ایرانشهر

زینت دکالی

کارشناس زمین‌شناسی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان ایرانشهر

مقدمه

بلوچ طبق آنچه مورخان و محققان ایرانی و خارجی نگاشته‌اند، قدمتی به فراخنای تاریخ ایران دارد. به‌خصوص دوره هخامنشیان که سنگ‌نوشته‌های بیستون و تخت‌جمشید حکایت از سرزمین بلوچستان با نام ماکا، مکه، ماکیا دارد، هرچند برخی قدمت نامش را به واژه بلوس در تورات یهود نسبت داده‌اند فرهاد میرزا در کتاب جام جم، بلوچستان را شامل پنج ولایت کوستان، کمران، سراوان، جلوان، عتدو و طول سواحل آن را حدود ۶۰۰ مایل تا ۱۵۰ فرسنگ می‌داند، که مربوط به پیش از تقسیم بلوچستان است. به هر جهت بلوچستان کنونی در فراز و نشیب دوران به دو منطقه بزرگ در ایران و پاکستان تقسیم شده که در ایران شامل سرحد و مکران است و محدوده جغرافیایی آن در پاکستان از مرکز گواتر و پیشین تا کراچی، از مرز میرجاوه و سراوان تا جت پت همجواری با استان سند، کشورهای افغانستان و ایران و دریای عمان کشیده شده است.



هنر بلوچ به‌ویژه سوزن‌دوزی یکی از کهن‌ترین هنرهای ایرانی است که عموماً به‌طور سنتی در میان زنان رواج داشته و امروزه مردان نیز به‌شکل صنعتی بدان روی آورده‌اند. در این مقاله بر آن بوده‌ایم وجوه اشتراک، اختلاف، تنوع نقش و کاربرد هنر سوزن‌دوزی را در مناطق بلوچستان ایران و پاکستان با روش تاریخی، تلفیقی و با مطالعه میدانی بررسی و مقایسه کنیم. در این مقایسه به انواع نقوش سوزن‌دوزی اشاره شده که بیشتر به‌عنوان وسیله تزئین در لباس زنان به‌صورت چهار قطعه که عبارت است از: قطعات پیش‌سینه، سرآستین‌ها، قطعه‌ای که در زیر پیش‌سینه به‌طور عمودی تا پایین پیراهن دوخته می‌شود، جیب و برای تزئیناتی چون رولباسی، رومیزی، رودیواری و روبالشی به‌کار می‌رود، علاوه بر این به فرآورده‌های تکمیلی نظیر کراوات، کیف پول، جلد آلبوم، جلد قرآنی، قاب عکس، قوطی سیگار و ... پرداخته شده است. در ادامه به دنبال پاسخ این سؤال بوده‌ایم که آیا تقسیم مناطق بلوچستان به مناطقی در ایران

و پاکستان تأثیری در هنر و صنعت سوزن‌دوزی این قوم داشته است یا خیر؟

بلوچستان، سرزمینی وسیع با آداب و رسومی خاص و هنرهای لطیف است که سوزن‌دوزی را می‌توان به‌عنوان نور چشم زنان بلوچ یا سند هویت، موجودیت و پشتوانه زنان بلوچ نام برد. زنان بلوچ در طول تاریخ این قوم همچون زنان سایر ملل دارای سرنوشت گوناگونی بوده‌اند. آنها علاوه بر خانه‌داری و همیاری مردان در اموری چون دامداری و کشاورزی به انجام کارهایی از قبیل سوزن‌دوزی، سکه‌دوزی، گلیم و قالی‌بافی، حصیربافی و ... می‌پردازند، که هنر سوزن‌دوزی در این میان جایگاه برجسته‌ای دارد و نظام طبقاتی قوم بلوچ آن را محدود به طبقه خاصی نکرده است.

این مقاله کوششی برای معرفی این هنر و تنوع نقوش آن در هر منطقه از بلوچستان است و به مقایسه وضعیت کنونی هنر سوزن‌دوزی در بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان پرداخته است. سپس به فرآورده‌های منحصربه‌فرد آن در مناطق مختلف بلوچستان و خاستگاه و منشاء ظهور نقش و نگارهای به‌کار رفته در آن اشاره شده است.

بخش اول - قدمت و موقعیت جغرافیایی بلوچستان

علل و نحوه تقسیم بلوچستان

قدمت و موقعیت جغرافیایی بلوچستان

بلوچستان با مسافتی قریب به ۱۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع در جنوب شرقی ایران قرار دارد و از شمال به سیستان و افغانستان، از شرق به پاکستان، از جنوب به دریای عمان، از مغرب به فخرج و رودبار، بشارگرد و جیرفت محدود می‌شود. طول سرزمین بلوچستان از چابهار و ملک سیاه‌کوه ۶۰۰ کیلومتر و عرض آن از کوهک تا جازموریان ۵۷۵ کیلومتر است.^۱

بلوچستان کنونی را در عصر ساسانیان «کوسون» در دوره هخامنشیان «ماکا» یا «مکیا» و یونانیان «گدروزیا» و مسلمین «مکران» نامیده‌اند (مک به ضم میم و سکون کاف در اصطلاح بلوچ نخل معنی می‌دهد و مکران ترکیبی از مک و ران به معنی جا و مکان است).^۲

نام بلوچ در بیشتر آثار محققین با کوچ آمده است، نخستین بار در حدود سده چهارم هجری مردمی با این نام و نشان در دشتهای جنوبی کرمان در دامان کوهستان بشارگرد پیدا شده‌اند. به قول جعفری، بلوچان دشتی و کوچان کوهیان بوده‌اند. با آنکه کتب تاریخی بین کوچان و بلوچان فرق می‌گذارند فردوسی این دو را یکی دانسته است. استخری می‌نویسد بلوچ در پایان کوه قفص باشد و قفص به پارسی کوچ باشد.

بیشتر مورخین اصل و ریشه کوچان را در میان کردان و تازیان جستجو می‌کنند، از جمله ابن حوقل آنها را از اکراد می‌شمارد. به نظر می‌رسد این نظریه صحیح‌تر باشد زیرا زبان آنها جزو زبانهای ایرانی است و می‌توان گفت کوچان همانند بلوچان در حقیقت بازماندگان گروههای کردی هستند که در طی سده‌های پیشین آمدند. آغاز مهاجرت بلوچ به کرمان و نواحی سیستان را برخی از زمان جنگهای هیاطله یا هونهای سفید می‌دانند. مردم بلوچ از نژاد آریایی هستند که مسکن اصلی آنان کناره دریای خزر، ناحیه گرگان امروزی بوده است. کوچ و بلوچ در کوههای کرمان و در مجاورت یکدیگر به سر می‌بردند که در قرن چهارم هجری عضدالدوله دیلمی و سلطان مسعود غزنوی آنها را مطیع خود کردند و در زمان سلاجقه کرمان به مکران رانده شدند. اولین بار



در حدود ۶۵۰ هجری نام این طوایف را در نواحی سند می‌شنویم که در فتنه مغول به سرکردگی میر چاکر رند و میر سهراب دودایی به سند و پنجاب مهاجرت کردند.^۳ با تینجر مردم بلوچ را به دو گروه بلوچ و براهویی تقسیم می‌کند که این عقیده به اشاره فردوسی به دو قوم کوچ و بلوچ عاری از حقیقت نیست و شاید کوچ‌ها بعدها به براهویی تغییر نام داده باشند.

علل و نحوه تقسیم بلوچستان

بلوچستان در زمان سلطنت پادشاهان مقتدر، مطیع حکومت مرکزی ایران بوده و در دوره‌هایی که پادشاهان با یکدیگر نزاع داشته‌اند یا پادشاه ناتوانی بر تخت سلطنت نشسته، طغیان کرده و طوایف بلوچ دم از استقلال می‌زدند.

در سال ۱۲۵۴ که دولت انگلیس به افغانستان لشکر کشید، شخصی به نام مهربان خان به نفع افغانها در گردنه بولان^۴ جلوی قشون انگلیس را گرفت و انگلیسیها اردویی برای تنبیه مهربان خان به کلات گسیل داشتند و مهربان خان و چهارصد نفر از همراهان او کشته شدند و کلات به تصرف انگلیس درآمد.

در سده سیزدهم رقابت شدیدی بین انگلیس و روس در ایران وجود داشت. چون انگلیسیها هندوستان را تصرف کردند لازم بود تمام راههایی که دولتهای بزرگ و نیرومند را به هندوستان مربوط می‌کند تحت نظر و تصرف خویش گیرند و یکی از این راهها، راه جنوب شرقی ایران یعنی عبور از بلوچستان بود.

به هر حال پس از قتل مهربان خان و تصرف کلات، سند و پنجاب نیز اشغال شد و قدرت انگلیسیها در بلوچستان ازدیاد یافت. پس از تسلط انگلیس، خوانین بلوچستان حقوق سالیانه‌ای دریافت می‌کردند. در سال ۱۸۷۹ انگلیسیها شروع به امتداد راه آهن بلوچستان نموده و شهر کوتا^۵ را به عنوان پایگاه مستحکمی در بلوچستان ایجاد کردند.

در زمان سلطنت محمدشاه قاجار ابراهیم خان نامی حکومت بم و نرماشیر گمارده شد. او که مردی لایق و مدبر بود در تعیین مرز بلوچستان ایران و بلوچستان تحت تصرف انگلیس با

مأموران حکومت هند اختلاف نظر پیدا کرد و برای تعیین خط مرز، کمیسیون مرکب از دو نفر ایرانی و چند نفر انگلیسی انتخاب شدند که به نتیجه‌ای نرسید. علت اختلاف هم قلعه کوهک بود. سرانجام در سپتامبر ۱۸۷۱ موافقت اعلام گردید و کوهک جزء ایران در نظر گرفته شد. پس از جنگ جهانی دوم شبه‌قاره هند به دو کشور هندوستان و پاکستان تقسیم گردید و منطقه بلوچستان متصرفی انگلیس نصیب پاکستان شد. دولت ایران نیز سرزمین وسیع بلوچستان خود را به چهار شهرستان زاهدان، ایرانشهر، سراون و چابهار تقسیم کرد. در سال ۱۳۲۶ این شهرستانها به همراه خاش و زابل به صورت استان سیستان و بلوچستان درآمد که هم اینک شهرستانهای نیکشهر و سرباز-راسک به تعداد آنها افزوده شده است.

بخش دوم- هنر سوزن‌دوزی در بلوچستان

انواع نقوش سوزن‌دوزی

هنر سوزن‌دوزی در بلوچستان

سوزن‌دوزی از هنرهای زیبا و کاربردی بلوچستان است که با دوختهای سنتی دیگر مناطق ایران کاملاً فرق دارد و به آن بلوچی‌دوزی نیز می‌گویند. در زندگی ساده و دور از تجمل مردم بلوچ، مهم‌ترین وسیله تزئین لباس همین کار است. این هنر از زندگی و سنن قوم بلوچ ریشه گرفته است که مادران هنرمند آن را به دختران خود آموزش می‌دهند.

در بلوچستان انواع مختلفی از سوزن‌دوزیها را می‌توان دید که توسط دستان ظریف زنان و دختران بلوچ روی پارچه و در نهایت ظرافت و زیبایی دوخته می‌شود. بیشتر این دوختها برای لباس خودشان استفاده می‌شود و مازاد آن را به بازار عرضه می‌کنند. بهترین نوع سوزن‌دوزی کار زنانی است که بین ۱۸ تا ۳۰ سال دارند. گفتنی است که نصب قطعات دوخته شده بر لباس علاوه بر زیبایی سبب استحکام آن نیز می‌شود. پیراهن زنان با چهار قطعه تزئین یافته است که عبارتند از یک قطعه پیش‌سینه، دو قطعه سرآستین، قطعه دیگری که در زیر پیش‌سینه به‌طور عمودی تا پایین پیراهن دوخته می‌شود، جیب که در اصطلاح محلی «گرم‌تان» یا «پندول» نامیده می‌شود. گاه قطعه



عمودی زیر پیش‌سینه به‌کار نمی‌رود و فقط کنار جیب به‌طور عمودی با فاصله حاشیه‌دوزی می‌شود. همچنین پایین لباس و پادامنی (پاچه شلوار) سوزن‌دوزی می‌شود. در این قطعات از طرح‌های هندسی و گاه غیرهندسی مانند انواع گل و بوته‌ها استفاده می‌شود که طرح‌های غیرهندسی برای تزئین پرده، پشتی، سفره، دستمال و ... به‌کار می‌رود و این طرح‌ها به‌صورت قرینه دوخته می‌شود. (رک بخش سوم- انواع فرآورده‌های هنر سوزن‌دوزی) در برخی از سوزن‌دوزیها که برای آویختن به دیوار تهیه می‌شود اسامی پیامبر (ص)، ائمه و یا اسماء خدا و جملات دینی به چشم می‌خورد. علاوه بر این نوارهای سوزن‌دوزی تهیه می‌شود که به مصرف لبه چادر یا مصارفی دیگر می‌رسد.

مواد اولیه اصلی سوزن‌دوزی نخ و پارچه است. نخ را در رنگ‌های مختلف و معمولاً چنانچه اصلش از بین نرفته باشد بیشتر به رنگ تیره انتخاب می‌کنند و ۸۰٪ آن انواع رنگ قرمز است. به‌طور کلی کاربرد رنگ نخ در سوزن‌دوزی به سه شکل رواج دارد: ۱- یک رنگ (قهوه‌ای یا سیاه یا سفید)، ۲- دو رنگ (قهوه‌ای و قرمز)، ۳- هفت رنگ (قهوه‌ای، سبز، زرد، آبی، سفید و سیاه) که از شش رنگ استفاده می‌شود ولی معروف به هفت رنگ است.

در ضمن ترتیب رنگ‌ها در سوزن‌دوزی اهمیت زیادی دارد و اگر رنگ‌ها جابه‌جا شوند، از قانون دوخت سرپیچی شده و دوخت، زیبا به‌نظر نمی‌رسد. ترتیب رنگ‌ها در هر منطقه‌ای متفاوت است. ترتیب ذکر شده در سراوان رایج است.

سوزن‌دوزان معمولاً نخ را از واسطه‌ها می‌خرند و برحسب امکانات و سلیقه خود از نخ دی.ام.سی (D.M.C) فرانسوی که مرغوبتر است یا از نخ‌های پاکستانی استفاده می‌کنند. نخ پاکستانی در این منطقه به‌علت همجواری با پاکستان رواج بیشتری دارد.

نخ از نوع ابریشم یا پنبه‌ای است. در قدیم از نخ‌های ابریشم استفاده می‌شد ولی امروزه از نخ‌های پنبه‌ای یا آکرلیک استفاده می‌شود.

پارچه‌ای که روی آن سوزن‌دوزی انجام می‌گیرد باید دارای دو ویژگی عمده جهت سهولت دوخت باشد: الف- دارای تار و پودی مشخص باشد که به آن ۶ تار می‌گویند. پُرکار نام اولین نقشی است که روی این پارچه‌ها دوخته شده است. ب- دارای تار و پودی راست بوده و کج‌راه

نباشد. پارچه بیشتر پنبه‌ای پاکستانی است که نازک و ریزباف بوده و برای محصولات پُرکار در قطعات کوچک متناسب است. پارچه را به صورت قطعات مورد نظر درآورده، سپس طرح کلی سوزن‌دوزی را روی آن می‌دوزند. این مرحله تا حدی نوع کار را مشخص می‌کند. مرحله بعد پر کردن فواصل است که در اینجا نوع دوخت متفاوت است. کپّ نال و زه پلیوار از دوخت‌های قدیمی هستند که شهرت زیادی دارند. (توضیح انواع نقوش در همین بخش آمده است) قابل ذکر است که سوزن‌دوزان ماهر به غیر از نقش‌هایی که باید بر پارچه ۶ تار دُوخته شوند، بیشتر روی پارچه لباس را سوزن‌دوزی می‌کنند و از ۶ تار به صورت جداگانه که بعد بر پارچه لباس نصب شود، استفاده نمی‌کنند.

تکنیک‌های دوخت شامل این موارد است: ۱- رودوزی (برای انتقال طرح روی پارچه) که گاه به جای این کار از مهر استفاده می‌شود؛ ۲- پُردوزی (ظریف‌دوزی)؛ ۳- پلیواردوزی که بیشتر برای پستی و بالش استفاده می‌شود؛ ۴- گراف‌دوزی (افغانی‌دوزی)؛ ۵- آینه‌دوزی؛ ۶- پیت‌دوزی (نوارهایی که به پارچه متصل و روی آنها سوزن‌دوزی می‌شود).

وسایل دیگری چون سوزن، قیچی، انگشتانه و گاه آینه، پولک و منجق نیز در انواع سوزن‌دوزی به کار می‌رود. مختصر آنکه بررسی نقش و نگارهای عامیانه این قوم که آئینه تمام نمای سنن، نوع معیشت، باورها و اعتقادات آنان است اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، زیرا بلوچ توانسته است از سویی طرح‌های متنوعی را هنرمندانه یکجا گرد آورد و خلاقیت خدادادی خود را به منصه ظهور برساند و از سوی دیگر این هنر را به‌عنوان یک صنعت و منبع درآمد در خدمت اقتصاد جامعه درآورده، آن را نسل به نسل حفظ و منتقل نماید.

انواع نقوش سوزن‌دوزی

نقش‌های عامیانه بلوچ پیچیدگی و ابهامی ندارد. هر نقش از ترکیب خط‌ها شکل می‌گیرد. خطوط هندسی، سه‌گوش و چهارگوش و خطوطی که با تلفیق به یکدیگر چندضلعی می‌شوند و تداخل اشکال در یکدیگر طرح‌های مختلفی را می‌سازد.

آقای ذبیح‌الله ناصح در کتاب بلوچستان، نقشهای سوزن‌دوزی را به طرحهای تاری، چشم، گل و حاشیه تقسیم کرده است، که تقسیم درستی است ولی نقوش سوزن‌دوزی دارای تنوعی بیش از این است. نقوش را به روش دیگری نیز می‌توان به چندین شکل تقسیم کرد:

الف- با توجه به پارچه‌ای که طرح بر آن دوخته می‌شود دو دسته‌اند: برخی طرحها بر پارچه شش تار و پودهای مشخصی دارد، دوخته می‌شوند، مثل: سراوانی دوچ (طرح شماره ۱)، پُرکار (تصویر ۵ و ۴۰)، جَوک (تصویر ۳ و ۳۷) و ... و برخی طرحها بر هر نوع پارچه‌ای قابل دوختن هستند.

ب- با توجه به اولین محل یا شهری که دوخت از آنجا طراحی شده است؛ مثل کویته دوچ (تصویر ۱۹)، سراوانی دوچ (طرح ۱) و

ج- نقشهایی که به کمک مُهر (در اصطلاح محلی به آن «تَپَه» tappa می‌گویند) دوخته می‌شود؛ مثل پلیوار (تصویر ۲۹ و ۳۰)، مَرچَک (طرح ۳۵)، کَپ نال (تصویر ۴۱) و ... و بدون استفاده از مُهر مثل: تَک زرافشان (تصویر ۱۵)، مُرگ پانچ (تصویر ۲۸) و

د- با توجه به میزان کار و ظرافتی که در آن به کار می‌رود به پُرکار، میان‌کار و کم‌کار تقسیم می‌شوند.

به‌طور کلی طرحها به دو دسته ساده و مرکب تقسیم می‌شوند که از به هم پیوستن چند طرح ساده، طرح مرکبی تشکیل می‌شود. منظور از ساده، سادگی نوع دوخت نیست بلکه به معنی معرفی یک نقش است.

اینک به شرح هر کدام از نقوش می‌پردازیم. در ضمن نام طرحها در هر منطقه متفاوت است. ما سعی کردیم اسمی را که شهرت بیشتری دارد، ذکر کنیم.

الف- طرح‌های ساده

۱- جَوَک (gawak): تصویر شماره ۳ و ۳۷

نام گردنبندی است که جزء زیورآلات زنان بلوچ است. طرحی ظریف و زیبا از گل با رنگ‌های مختلف و به شکل لوزی و در اندازه‌های متفاوت است. وسط آن لوزی کوچکی است که بر رئوس آن عدد ۷ به صورت باز و حجیم قرار گرفته است.

۲- روج بَر (ročbar): طرح ۵۰ و شماره ۱ در طرح ۱

خطوطی متقاطع به صورت اعداد ۷ و ۸ که محصور در دو خط موازی هستند به آن بیشتر گُورکش (gwarkašš) و در سراوان کلا (kalâ) یا لاهاری (lâhâri) می‌گویند و از پشت پارچه دوخته می‌شود.

۳- چَکَن (čakan): طرح ۴۴ و ۶ در طرح ۱

خطوط عمودی ریزی که به موازات هم قرار می‌گیرند. چَکَن به دو صورت یک دیم و دو دیم است. دیم به معنای صورت و جهت است که در یک دیم، خطوط موازی، عمود بر یک خط افقی هستند و در دو دیم، این خطوط بین دو خط موازی افقی قرار گرفته‌اند.

۴- جالار (jâlâr): طرح ۴۰، ۴ در طرح ۱ و تصویر ۱۳

خطوط موازی عمودی که محصور در دو خط موازی افقی است و به رنگ‌های مختلفی دوخته می‌شود. در منطقه سرباز، سراوان و بلوچستان پاکستان به آن «جالَد (jâlad)» می‌گویند. به طرح «کپ نال (kappnâl)» نیز جالار گفته می‌شود، زیرا با این طرح دوخته می‌شود و شکل لوزی می‌سازد.

۵- بَٹَنُو (baṭanu): طرح ۱۰

چهار مربع که به شکل + کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ یکی در وسط و سه مربع دیگر به اضلاع آن چسبیده‌اند و در میان هر کدام از این بعلاوه‌ها، طرحی هشت ضلعی به شکل حرف «I» انگلیسی است. به بَٹَنُو، «بَٹَنُک» (baṭanok) نیز می‌گویند.



۶- صَبَاصِبَا (sabâ sabâ): تصویر ۴۵

شبيه علامت < در ریاضی است که اضلاع آنها با خطوط ریزی پوشیده شده است.

۷- کَشُک (kašok): شماره ۸ در طرح ۱

خطوط موازی عمودی که محصور در دو خط موازی افقی است.

۸- کُتَّارِ پَادَک (Kettar-e-padak): طرح ۵۲

به معنای پای حشره است و طرح آن نیز به همین صورت است.

۹- مُرُگِ پَانِچ (morg pânč): طرح ۵ و تصویر ۲۸

شبيه پای مرغ است که اسم این طرح نیز از آن گرفته شده است و به رئوس فوقانی و تحتانی انگشت وسط، لوزی کوچکی متصل است.

۱۰- کُپَک (kappok): طرح ۱۹ و تصویر ۱۸

لوزی است که به سه رأس آن سه لوزی دیگر محاط شده است و در رأس دیگر، مثلی که درون آن با لوزی‌های کوچک به هم چسبیده پر شده است.

۱۱- تَتَک (tatok): طرح ۴۰، همان جالار است.

۱۲- پُورَک (porrok): تصویر ۱

طرح گلی با رنگ‌های مختلف است و آینه کوچک دایره‌ای شکل در وسط به کار می‌رود و گلبرگ‌ها به شکل دایره‌های ریزی حول محور آینه قرار گرفته‌اند. در فنّوج و لاشار بیشتر به کار می‌رود.

۱۳- ماه ءُ رُوج (mâh-o-rōč): تصویر ۳۶

شکل هلال ماهی است که خورشیدی را در میان گرفته و روج به معنای خورشید است.

۱۴- دَارُک (dârok): طرح ۱۳. شبيه گُورَکَش است که خطوط آن با فاصله قرار گرفته‌اند.

۱۵- گُورِچَم (gōr čamm): طرح ۳۱ و ۳۹

دو خط موازی با فاصله کم که درون آن با خطوط سیاه و سفید پر شده است. البته به جای خطوط ریز گاه دایره‌های ریز یا علامت «>» به کار می‌رود و به آن سیاه و سفید یا اسپید سر نیز گویند.

۱۶- مَندءُ بُلُو (mand-o-bollu): طرح ۴۸

یک لوزی است که بر رئوس آن سه مثلث کوچک بر روی هم قرار گرفته‌اند و دو مثلث کوچک دیگر در امتداد اضلاع لوزی واقع شده که در کنار مثلثهای قبلی، حالت مثلث کوچکی را پدید آورده‌اند. به مثلثهای کوچک در طرح «شَرِّین جَنک (sṣṣrren janek) نیز مَندءُ بُلُو گفته می‌شود.

۱۷- بُوْرُک (burrok): طرح ۴۶

لوزی است که از رئوس آن سه خط کوچک مثل کاکل منشعب و تکرار شده است.

۱۸- بَهار: طرح ۴۷

شبیهِ طرح بُوْرُک است با این تفاوت که در آن به‌جای خطوط، سه گلبرگ کوچک قرار دارد.

۱۹- چَمّ ماهی (čamm māhi): طرح ۱۵

شبیهِ چشم ماهی است؛ چشمهایی که به دنبال هم زنجیروار قرار دارند.

۲۰- بُنُک (bonok): طرح ۵۱

لوزی‌ای است که درونش با چهار خط متقاطع که دو به دو موازیند، پُر شده است. همچنین به‌شکل لوزی‌های کوچکی که در امتداد هم قرار دارند نیز هست، که در این صورت به آن «بُن سَندوکی» (bonsanduki) می‌گویند.

۲۱- گَل تَطُک (tatok): طرح ۶۴

یک لوزی است که درون چندضلعی منظمی قرار گرفته است و تَطُک با گل آن متفاوت است، زیرا تَطُک همان جالد است که بیشتر با رنگهای قرمز و قهوه‌ای دیده می‌شود.

۲۲- کِیْتون (keytun): طرح ۲۹

همان قِبطان است که روی آن سوزن‌دوزی می‌شود و به آن «تویی» (tuyi) نیز می‌گویند.

۲۳- کَلَمُپرُک (kalamporok): طرح ۲۲

علامت ضربدری به رنگ سیاه است که وسط آن دایره کوچک سفیدی است.



۲۴- شیرازه (شیرازگ) (širâza širâzag): طرح ۲۸

در بخش دامن شهرستان ایرانشهر مرسوم است و طرح آن به شکل خطوطی با رنگهای مختلف که موازیند و زائده‌هایی از آنها منشعب شده که به هم متصل می‌شوند.

۲۵- حان گل (hângol):

به خطوط ریز به کار رفته در طرح اشک عروس که اضلاع خارجی لوزی‌ها را پوشانده است، حان گل گفته می‌شود.

۲۶- پنج آدینکی (pančâdineki): طرح ۶۶

از ۵ آینه مربع شکل تشکیل شده که یکی در وسط و چهار تای دیگر متصل به اضلاع مربع وسط است.

۲۷- پیتی (piti):

نوارهایی که به اشکال مختلف بر پارچه نصب می‌شود و روی آنها سوزن‌دوزی می‌شود دو نوع است؛ یا از چهار پیت که وسط آن آئینه‌ای به کار رفته، تشکیل شده است مثل کانچ کباٹ و یا بعد از هشت پیت آینه به کار می‌رود. ریزترین سوزن‌دوزی در مدل پیتی، «شرین جنک» و «مورت تاک» است.

۲۸- پلیوار (paliwar): تصویر ۲۹

در اصل لوزی است با زاویه‌های بازتر و نقش ویژه آن در گلدوزی و سوزن‌دوزی است با ترکیبی از اشکال باز و بسته لوزی و مثلث حالت‌های مختلفی به آن می‌دهند که هر یک نام مستقلی دارد. مثل پنکه‌ای (طرح ۵۷)، چاردانک (طرح ۶۱) پلیوار و گل پنجه (طرح ۵۳)، گُبو (طرح ۶۸)، پلیوار باز (طرح ۲۴) و ...

۲۹- مرچک (merčok): طرح ۳۵- لوزی کوچکی که بر رئوس آن برگی ترسیم شده است.

۳۰- پردیسی (pardysi): تصویر ۴۶

از چهار گلبرگ که متحدالمرکزند و از وسط آنها خطی است که به یک لوزی متصل شده است.



- ۳۱- هِشاس (ته کاسه) (*hašâs*): طرح ۵۶
لوزی که از وسط اضلاع آن خط کوچکی به سمت مرکز لوزی ترسیم شده و کلاً شبیه گل نیلوفر است.
- ۳۲- شوُلُک (*šullok*): تصویر ۲۷، شبیه پلیوار است ولی کیفیت آن به خوبی پلیوار نیست.
- ۳۳- دُکُک (*dakkok*): تصویر ۲۷، طرحی برای ملحفهٔ بالش یا روی پستی است. همان «شوُلُک» بلوچستان پاکستان است.
- ۳۴- پُرکار (*porkâr*): تصویر ۵، طرح مشکل و ظریفی است که کار زیادی می‌طلبد و کاربرد آن در ایرندگان بیشتر است. پُرکار نوعی پُر کردن طرح‌های دیگر مثل سهٔ اُک یا جَوک است.
- ۳۵- سَبزو (*sabzo*): طرح ۳۴
مثلی است که درون آن از لوزی پر شده و بر رأس آن یک لوزی قرار گرفته است، همچنین بر دو ضلع جانبی آن لوزی بسیار کوچکی متصل شده است.
- ۳۶- دِژ (*dež*): تصویر ۱۲
طرحی جدید که نوعی آینه‌دوزی است و در طرح گل آن پنج آینه به‌شکل لوزی در کنار هم قرار گرفته است.
- ۳۷- چوتل (*čotal*): همان جَوک است.
- ۳۸- پَراییز (*parâyēz*):
همان طرح چپ-راست ایرانشهر است که از پشت پارچه دوخته می‌شود و از خطوط عمودی ریز که به موازات یکدیگر قرار دارند، تشکیل شده است.
- ۳۹- کلاهی چَکَن (*kolâhi čakan*): به شکل زنجیره است.
- ۴۰- وُتک (*wattok*): همان بُتک است. طرح ۱۶
- ۴۱- بَسکوت دوچ (*beskōet dōč*): تصویر ۱۶. از لوزیهای منتظمی تشکیل شده است.



۴۲- ٹکّ (Tekk): طرح ۴

به معنای گل است و طرحهای گوناگونی دارد که ساده‌ترین آنها، لوزی است که بر رئوسش مثلث کوچکی متصل است و درون لوزی شش دایره کوچک مثل پرچم گل وجود دارد.

۴۳- نُه آدینکی (Noh Âdineki): تصویر ۴۹

طرح نُه آینه در سرباز و لاشار دوخته می‌شود و گل آن از نُه آینه که گرداگرد یکدیگر قرار دارند، تشکیل شده است.

۴۴- سَرِ طائوس (Sartâous): طرح ۶۷

شکل ضربدری است که در زاویه‌های حاده بالا و پایین، حرف N قرار گرفته است.

۴۵- گل سرخ: طرح ۶۰

مثل علامت بعلاوه است به شکل توخالی بوده و چندضلعی را پدید آورده است و بر رئوس آن به سمت داخل، مثلث کوچکی وجود دارد.

۴۶- قلب جوانان: طرح ۵۹

طرح جدیدی است از چهار شکل در قالب قلب که لوزی گونه مشرف به آینه وسط هستند و به آن قلب هپوکان (هووها) نیز گفته می‌شود.

۴۷- کیچی دوچ (Kēči dōč):

کیچ نام شهری در بلوچستان پاکستان است که یکی از مهم‌ترین مناطق سوزن‌دوزی به‌شمار می‌رود. در کیچی دوچ، پیت به‌کار می‌رود و بعد روی آن سوزن‌دوزی می‌شود.

۴۸- کوه بندر: طرح ۴۹ و تصویر ۲۱

شبه سه آدینکی است و از لوزیهایی که بر رئوس و وسط آن، آینه گردی به‌کار می‌رود، تشکیل شده است.

ب) طرح‌های مرکب

۱- سراوانی دوچ (Sarâwâni Dōč): طرح ۱

طرحی که اولین بار در منطقه سراوان دوخته شده است و اولین نوع سوزن‌دوزی است که بر روی پارچه شش تار طراحی شده است. این طرح از معروف‌ترین دوخته‌های سراوان است و ترکیبی از نقش‌های کپ نال، سیاه و سفید یا گور چَم، جالد، روچ بر و بٹنو است.

۲- کویته دوچ (Kwēta Dōč): تصویر ۱۹

متشکل از نقوش کپ نال، گورچَم، جالار، شیر گو است که از زیباترین و معروف‌ترین طرح‌های شهر کویته بلوچستان پاکستان است. همچنین طرح‌های زه طناب، زه شیرگ، زه جالار را انواعی از طرح کویته دوچ می‌دانند.

۳- هفتصد آدینکی (Haftsad Âdēnki): طرح ۷

طرحی از پلیوار و آینه است. خطی افقی که با خطوط ریز عمودی پوشیده شده و خطوطی بزرگتر به صورت نود درجه به شکل صلیب عمود بر آن است و در لابه‌لای آنها، دایره‌هایی است که محل اتصال آینه است.

۴- گل بادام: طرح ۲۶

طرحی شبیه بُته جقه که اطراف آن با «حان گل» تزئین شده و درون آن نقشی مثل بادام پوشیده با خطوط افقی است و در سمت راست و چپ آن دو خط مارپیچی واقع شده است.

۵- تک زرافشان (گربند) "Tekk Zarafšân (garband)": طرح ۱۱، تصویر ۱۵ و ۲۰

چهار شش ضلعی که هر کدام از دو متوازی الاضلاع تشکیل شده و به شکل گل، رئوسشان حول یک محور قرار دارد و در فواصل میان آنها خطی است که بر سرش سه زائده وجود دارد و کل طرح، شبیه گلی است.

۶- تلو موسم (Talu Mōsom): تصویر ۲۴

از هشت مثلث تشکیل شده که دو به دو در چهار جهت و به شکل علامت «+» قرار گرفته‌اند و بر قاعده آنها شش دایره کوچک (مندء بُلُو) قرار دارد.



۷- کپّ نال (Kappnâl): تصویر ۴۱

طرح لوزی که درون آن دو لوزی کوچکتر است و فاصله بین لوزی بزرگ و کوچک با «جالار» پوشیده شده است و معمولاً بین دو لوزی کوچک، نقش «گورچم» به کار می‌رود. در ضمن طرحهای «کوئنه دوچ» دارای جالار پهن تری است.

۸- بال کبوتر: طرح ۳۰ و ۴۲

لوزی است که در هر رأس آن، اشکالی به صورت بال سه پر قرار دارد و وسط آن خطی است و به هر ضلع لوزی، خطی عمود شده است. این طرح از نقشهای بُتُک یک رنگ، چپ-راست و دارک تشکیل یافته است. این نقش شکل دیگری نیز دارد و آن به صورت شش بال است که به صورت مزدوج روبه روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و در بزرگ‌ترین جفت، سه دایره قرار دارد.

۹- پاد بُتُک (Pâd-e-nonnok): طرح ۳

طرح جدیدی در منطقه سرباز و راسک است، که از چهار مکعب مستطیل تشکیل شده که به شکل «+» کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و قاعده فوقانی مکعب‌ها با «حان گل» پوشیده شده است.

۱۰- تاج پادشاه: طرح ۴۵

شبهه تاجی است که در پایین به دو خط موازی متصل شده است، سپس طرح بُتُک و دو خط موازی دیگر به صورت افقی وجود دارد.

۱۱- کُردُلُک (Kordalok): طرح ۲

مربعی که معمولاً در دو گوشه پایین و بالا روی شانه و دارای نقوشی است که از خطوط عمود بر هم شکل می‌گیرد. در سراوان به آن «کوهلُک» (Kohalok) می‌گویند.

۱۲- گِرْهٔ هِلَّ (Ger-o-hell): تصویر ۹ و طرح ۲۳

یعنی بگیر و بگذار، منظور به کارگیری یک در میان لوزی‌هاست. گِرْهٔ هِلَّ به شکل عدد ۷ بوده و درون آن با مربعهای ریزی پوشیده شده است و در وسط این ۷، لوزی است که به آن چسبیده و سه لوزی دیگر روی این طرح به کار رفته که در رئوس فوقانی آنها نیز لوزی ریز دیگری وجود دارد.



۱۳- موسم پُرکار (Mōsom Porkar): تصویر ۸

از طرح‌های سراوان بوده و از پشت پارچه دوخته می‌شود. ترکیبی از سه‌اُک (Sa-ok)، موسم، پراییز و گورچم است.

۱۴- گل گُندی (Gol-e-kondi): همان کوهلک یا کُرْدُک است.

۱۵- گل ایرکش (Gol ēr kašš):

ایرکش به معنای پایین، طرحی چون گل گُندی است که در پایین پیراهن دوخته می‌شود.

۱۶- گل کوئین (Gol Kōtēn): نمونه‌ای از گل ایرکش که پایین آن صاف و مسطح است.

۱۷- موسم سَندوکی (Mōsom Sanduki): طرح ۱۷

طرح لوزی است که پس از دوخت حالت «+» را پیدا می‌کند و این لوزی در چندضلعی منتظمی محصور است.

۱۸- دل بنده (Del Banda): طرح ۲۷

چندضلعی است که درون آن دو مثلث کوچک است و این چندضلعی به دو خط افقی موازی متصل شده که دو خط دیگر به موازات آنها تکرار شده و فاصله بین این خطوط با گل و آینه تزئین شده است، همچنین درون طرح مثلث، سه آینه و در چندضلعی، پنج آینه به کار می‌رود (دل بنده به معنای دلبستگی به طرح است).

۱۹- شمس بانور (Šams Bânōr): تصویر ۱۱

شمس نام قطعه طلایی است که بر پیشانی زن بلوچ (عروس) می‌درخشد و این طرح شبیه آن است.

۲۰- شَرین جَنک (Šarrēn Janek): طرح ۵۵

لوزی است که بر رئوس آن مثلثی متصل شده و درون مثلثها و بر قاعده هر یک از آنها کلاً شش دایره ریز «مَندءُ بُلُو» قرار دارد.



۲۱- کانچ کبات (Kanč Kabât): طرح ۱۲

دو نوع است؛ یکی دارای ۴ پیت است که بر ۴ رأس آن طرح «شوُلگ» یا «پلیوار» به کار رفته و بین ۴ پیت، طرح «پُر» دوخته می‌شود و نوع دیگر آن، لوزی است که بر چهار رأس آن طرح «شوُلگ» یا «پلیوار» قرار دارد.

۲۲- دلکش دست مَرَس (Delkašš Dastmaras):

یعنی دل می‌خواهد ولی دست به آن نمی‌رسد. ترکیبی از نقوش کَشُک، گورچَم، جالار و کَپ‌نال است و شباهت به طرح‌های تلو موسم، گشه بند، محرابِ تُک و مُرگ پانچ است؛ با این تفاوت که در نوع اخیر «روچ بر» به کار می‌رود.

۲۳- محرابِ تُک (Mehrâb Tekk): طرح ۳۸

مثلثی است که بر رأس فوقانی آن لوزی محاط است که بر رئوس آن مثلث‌های کوچکی قرار دارد و خارج آنها شش نقطه «مندء بلو» است و خارج ساقهای مثلث، لوزی و مثلث کوچکی قرار دارد.

۲۴- مورت تاک (Mort Tak): طرح ۳۲ و ۳۶

لوزی است که بر هر یک از رئوس آن مثلثی واقع شده و قاعده مثلثها و اضلاع لوزی با خطوطی مثل دندان‌های شانه (طرح حان گل) پوشیده شده است.

۲۵- بَکَالو (کاند) "bakkâlō (kând)": طرح ۱۸

دو مثلث کوچک و بزرگ که قاعده‌شان بر هم منطبق است و در فاصله میان آنها طرح جالار به کار می‌رود و درون مثلث وسط پلیواردوزی می‌شود. در بلوچستان ایران این طرح به شکل دایره‌ای است که اطراف آن را مثلث‌های کوچکی احاطه کرده است و داخل مثلثها به صورت زیگزاگ دوخته می‌شود.

۲۶- چَندَن هار (čandan hâr): طرح ۳۷ و تصویر ۱۰

عدد هفت و حجیمی است که سطح آن دارای خطوطی است و متصل به بالای دو سر هفت، مربع بسیار کوچکی آویزان شده است.



۲۷- چَم مُژَه (čamm moža): طرح ۵۸

دایره کوچکی که از چهار جهت به مثلثی متصل است و بر قاعده مثلثها حان گل ترسیم شده و لابه‌لای آنها طرح میخی به چشم می‌خورد.

۲۸- زه شیرگ (Zehširag): تصویر ۱۴

طرح قدیمی که در دوختهای منطقه سرباز و بلوچستان پاکستان نیز به کار می‌رود.

۲۹- گل گلدان: طرح ۳۳

شبهه گلدانی است که پایین آن طرح پلیوار است و گلی که درون آن قرار دارد.

۳۰- کوه سر عاشق: تصویر ۳۹ و طرح ۶

از آینه، ٹٹک یا جالار، گورچم تشکیل شده است و جالار آن با هفت رنگ دوخته می‌شود.

۳۱- سیه دوچ (Syah Dōč)

نوعی از کپ نال است که رنگ قهوه‌ای آن بیشتر از رنگهای دیگر است.

۳۲- اشک عروس: طرح ۸

لوزی است و بر رئوس آن لوزیهای دیگری واقع شده که بین آنها طرح مرچک به کار رفته و دو ضلع خارجی این چهار لوزی با حان گل تزئین شده است.

۳۳- چَم بُروان (Čam-Borwân):

مثل طرح اشک عروس است با این تفاوت که وسط آن آینه دایره‌ای شکل به کار می‌رود به اندازه لوزیهای آن کوچکتر است.

۳۴- مُرگ ء چورگ (Morg-o-Čurang): طرح ۵۴

لوزی است که بر رئوس آن لوزیهای دیگری که خطهای آنها مشخص است، قرار دارند و بر سه رأس آن لوزیهای کوچک، مثلث کوچکی «طرح مند ء بلو» متصل شده است.

۳۵- سه اک پُرکار (Sa-ok porkâr): طرح ۲۱

مربع‌های کوچکی که به صورت چهار لوزی به هم چسبیده قرار گرفته و یک چندضلعی را به وجود آورده اند و به آن سه تاری نیز می‌گویند.



۳۶- سبک سوزن:

متشکل از طرح بُنک و گور چَم است؛ آینه‌ای که سه لوزی (بُنک) در طرفین و بالای آن قرار دارد و پایین آن، گور چَم به کار می‌رود. قابل ذکر است که نقوش سوزن‌دوزی بلوچ از تنوعی برخوردار است که بیان همه گسترده‌گی آن در این مقاله به خاطر محدودیت آن، نمی‌گنجد. تنوع این هنر هم اینک نیز در حال گسترش است، ولی بسیاری از نقوش جدید از ترکیب طرح‌های ساده‌ای که ذکر شد فراهم می‌آید.

بخش سوم- وجوه اشتراک و اختلاف سوزن‌دوزی بلوچستان ایران با بلوچستان پاکستان

- خاستگاه نقش و نگارها

- انواع فراورده‌های هنر سوزن‌دوزی مهم‌ترین مراکز تولید آن

وجوه اشتراک و اختلاف سوزن‌دوزی بلوچستان ایران با بلوچستان پاکستان

بسیاری از طرح‌ها و نقوش سوزن‌دوزی در بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان مشترکند و گاه تفاوت در نام دارند؛ مثل ۱- گورکش (روچ بر) ۲- کپ نال ۳- سیاه و سفید (گور چَم) ۴- بکالو (کانڈ) ۵- چکن ۶- کشک ۷- ٹک زرافشان (گرٹند) ۸- ٹٹک (جالار) ۹- زه طناب ۱۰- زه جالار ۱۱- هفتصد آدینکی ۱۲- رڈک ۱۳- مرچک ۱۴- پلوار ۱۵- بور و بهار ۱۶- مرگ پانچ و ...

نوع پارچه، نخ و سایر ابزار سوزن‌دوزی در دو منطقه تفاوتی ندارد؛ هرچند که در پاکستان بیشتر از نخ ابریشمی استفاده می‌شود و کاربرد آن در ایران در گذشته رایج بوده و امروزه نخ پنبه‌ای و آکرلیک استفاده بیشتری دارد.

از جهاتی سوزن‌دوزی در دو کشور متفاوت است که به بررسی آنها می‌پردازیم:

الف) تفاوت در برخی نقوش: برخی طرح‌ها، خاص بلوچستان پاکستان است؛ مثل: چندن هار (طرح ۳۷ و تصویر ۱۰)، مرگ و چورگ (طرح ۵۴)، محراب ٹک (طرح ۳۸)، کٹارءپادک (طرح ۵۲ و تصویر ۷)، مندء بُلُو (طرح ۴۸)، مچوٹک، کپک (تصویر ۱۸)، بهار کوشایی و برخی

طرح‌های پیتی. طرح بنارسی (Bânarasi) که در تصویر ۶ آمده است، در بلوچستان پاکستان شهرت زیادی دارد که بیشتر کار آن با قلاب انجام می‌شود.

ب) تفاوت در نحوه کار: کار دوخت بلوچهای پاکستان ظریف‌تر است ولی در ایران، ظرافت، بیشتر کار کسی است که طرح را مستقیماً بنگرد.

ج) تفاوت در استفاده از تپه «مهر»: هر چند ساخت مهرها در پاکستان انجام می‌گیرد، اما در ایران کاربرد بیشتری دارد. استفاده از مهر برای طرح نقش بر پارچه، کار دوخت را راحت‌تر می‌کند ولی کیفیت دوخت بدون طرح نقش با مهر بیشتر بوده و قیمت آن نیز بالاتر است. مهر بسیاری از طرحها ساخته شده است؛ مثل: پردیسی (تصویر ۴۷)، صبا صبا (تصویر ۴۶) و ... برخی طرحها مثل بورنگ (طرح ۴۶) را در ایران با تپه و در پاکستان بدون تپه می‌دوزند.

د) تفاوت در انتخاب رنگ: مردم بلوچستان پاکستان از رنگهای شاد، روشن و کمرنگ اما بلوچهای ایران از رنگهای تیره و پررنگ مثل قهوه‌ای پر رنگ متمایل به سیاه و زرشکی تیره استفاده می‌کنند.

ر) تفاوت در شکل آینه در مدلهای آینه‌ای: بیشتر آینه‌ها به شکل مربع و دایره در هر دو منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرند، ولی اخیراً به شکل لوزی، قلب و بادامی نیز ساخته شده که در بلوچستان پاکستان کاربرد دارد.

ز) تفاوت در فراورده‌های سوزن‌دوزی: در پاکستان مصرف سوزن‌دوزی بیشتر در لباس است و برای موارد معدودی نیز به کار می‌رود، اما در ایران این هنر، فراورده‌های بیشتری دارد (رجوع کنید به صفحه فراورده‌های سوزن‌دوزی)

حال باید دید علت این اختلافها چیست؟ به نظر می‌رسد علت را باید در بافت حاکم بر محیط زندگی آنها جست، که حاصل تقسیم بلوچستان در روزگار محمد شاه قاجار است. بلوچستان پاکستان در مجاورت شهرهای دیگر پاکستان بوده و لباسهای پاکستانی که در آن نقش و نگارهای سوزن‌دوزی شده نیز به کار می‌رود، تأثیر زیادی در حفظ ظرافت و رشد هنر سوزن‌دوزی در آن منطقه داشته است، حال آنکه در ایران که متشکل از اقوام گوناگونی است، پوشش مردم به‌خصوص در مرکز (زاهدان) متأثر از پوشاک غیر محلی بازاری بوده است.



خاستگاه نقش و نگارها

نقش و نگارهای عامیانه آمیخته با زندگی مردم است. منبع الهامبخش، دیده‌ها و شنیده‌ها یا حتی آرزوهای مردم است. به بیان دیگر موتیف‌های اصلی این نقش و نگارها بن‌مایه ذهنی دارد، به همین دلیل ممکن است سوزن‌دوز در حین کار فی‌البداهه چیزی به آن بیفزاید یا از آن کم کند. این نقش و نگارها نیز چون ترانه‌های عامیانه که سراینده مشخصی ندارد معلوم نیست از کدام ذهن پویایی نشئت گرفته و جاودانه شده‌اند.^۶

از دیگر ویژگی نگاره‌های عامیانه یکی هم این است که برخی از آنها به مرور نام و مفهوم اولیه خود را از دست داده و به صرف تشابهی که با شیء یا حیوان به‌خصوصی داشته‌اند نام آن شیء یا حیوان را گرفته‌اند، به این دلیل که بدواً حضور بعضی نقشها منطقی به نظر نمی‌آید هرچند در هنر عامیانه نباید در جستجوی منطق و چارچوب از پیش تعیین‌شده‌ای بود ولی این بدان معنی نیست که هنر عامیانه فاقد ضابطه و قانونمندی است. ابهامی اگر وجود دارد بی‌تردید ناشی از تعویض شناسنامه است.^۷

به‌طور کلی خاستگاه نقش و نگارهای بلوچ را می‌توان در مفاهیم زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- گلها و گیاهان؛ ۲- ابزار و وسایل زندگی؛ ۳- عناصر طبیعت مثل ماه و خورشید؛ ۴- حیوانات اعم از پرندگان، خزندگان و آبزیان؛ ۵- واژه‌هایی در تمجید انسان یا اعضای بدن انسان به‌خصوص چشم، ابرو و مژه؛ ۶- ذهن و تخیل.

۱- **گلها و گیاهان مثل:** مرچک، گل‌گلدان، گل‌مورت که مورت نام گردنبندی از زیورآلات زنان بلوچ است ولی در اصل مورت درختی است که برگهای آن استفاده دارویی دارد، مثل برگهای درخت کُنار که از آن سدر تهیه می‌شود، بورگک به معنای شکوفه‌هایی است که تبدیل به میوه نمی‌شوند، بهار همان فصل بهار است، شیرگو که از شیر خرمای حاصل شده و چندن هار که چندن درختی در هند است.

هرچند گل در این منطقه کمتر از مناطق دیگر ایران است، ولی بلوچ از اشکال هندسی به‌خصوص سه‌گوش که قابلیت شکل‌پذیری بیشتری دارد برای ساختن طرح‌های مختلف استفاده می‌کند و آن قدر از این نقش بهره‌جسته که از سوزن‌دوزی تعبیر به گلستان‌دوزی می‌کند.

(ناگفته نماند که کلمهٔ ئک به معنای گل است و طرحهایی که بدین نامند، منظور نوعی گل است).

۲- ابزار و وسایل زندگی: مثل پلیوار پنکه‌ای که شکل ظاهری آن شبیه پنکه است و پنکه وسیلهٔ سرمازای خوبی برای ایام گرم سال در بلوچستان است که فصل تابستان آن بیش از سه ماه طول می‌کشد.

زن بلوچ به زیورآلات اهمیت زیادی می‌دهد و این را در نقشهای سوزن‌دوزی نیز می‌توان یافت؛ مثل جَوَک که نام گردنبندی است و مورت که قبل از این آمد و شمس بانور که بانور به معنای عروس است و شمس نام قطعهٔ طلائی است که از روی موها وسط پیشانی آویزان می‌شود.

۳- عناصر طبیعت مثل: ماه ءُ روچ (Mâh-ō-röc) همان ماه و خورشید است، سات سهیلی (Sât) (Sohayli) به معنای ستارهٔ سهیل است (البته سهیل به معنای میوه‌ای که بعد از وقت می‌رسد نیز هست)، کوه بندر و ...

۴- حیوانات مثل: کئار پادک (Kettar-e-pâdak): پای حشره، مُرگ ءُ چورگ (Morg-o-čurag): مرغ و جوجه، مُرگ پانچ (Morg pânc): پای مرغ، بال کبوتر، چَمّ ماهی (Čamm mâhi): چشم ماهی و ...

۵- ویژگیها یا اعضاء بدن انسان: چَمّ مژه (Čamm moža): چشم مژه، چَمّ سورمگ (Čamm surmag): سورمهٔ چشم، شَرّین جَنک (Šarrēn janek): زن خوب، قلب جوانان، چَمّ بُروان (Čamm borwân): چشم ابرو، پاد نُنک (Pâd-e-nonnok): پای نوزاد و ...

قابل ذکر است که چهرهٔ انسان در نقوش سوزن‌دوزی بلوچ به تصویر کشیده نمی‌شود، چون نقاشی چهره یا هر جاندار را گناه می‌دانند و معتقدند روز قیامت از چنین شخصی خواسته می‌شود که در آن اثر روح بدمد.

۶- ذهن و تخیل: هنرمند بلوچ چون دیگر نگارگران نقوش عامیانه بیشتر به آفرینشهای ذهنی خود توجه دارد. بلوچ در دنیایی از تخیل زندگی می‌کند، چه بسا نقشهایی را می‌آفریند که صاحب



آن نقش را در عمر خود به چشم ندیده است مثل طرح طائوس (Tâæs) که در بلوچستان وجود نداشته است و بلوچ این نگاره را در تعاملی که با هندی‌ها داشته، کسب نموده است.^۸

آدینک (Âdinek) یعنی آینه، نیز یکی از نگاره‌های مسلط بر دوخت بلوچ است، زیرا بلوچ، گویی در حیات خود همه جا محصور در آینه است. نور پر جلای خورشید در پهنه بیابان خشک سکندر مانند که دشت را چون آینه جلا می‌دهد و بلوچ را مسحور خود می‌کند. یکی از نموده‌های بارز این شیء در «سکه» جلوه کرده است که آینه به مثابه مواد خام آن است. بلوچ در سوزن‌دوزی یا از آینه استفاده می‌کند یا نقش آن را به تصویر می‌کشد.^۹

علاوه بر اینها از معنی لغوی برخی نقوش می‌توان به خاستگاه آن پی برد که در موارد ذکر شده فوق به نمونه‌های فراوانی اشاره شد.

نامگذاری نقوش بیشتر به جهت شباهت آنها با امری خارجی، قیمت بالا یا زیبایی فوق‌العاده است. مثل نقش «دلکش دست مرس» (Delkašš Dastnaras) به معنای دل خواهان آن است ولی دست به آن نمی‌رسد که به خاطر زیبایی و قیمت بالای طرح به آن چنان نامی داده‌اند.

گاه توجه جامعه به امری خاص مثلاً به فوتبالیست یا بازیگری باعث تغییر نام شده است؛ مثل توپ علی دایی و اخیراً بامشاد. حتی نحوه دوخت در نام آن تأثیر داشته است؛ مثل گِرءُ هَلَّ (Ger-o-hell) یعنی بگیر و بگذار. همان‌طور که در طرح شماره ۲۳ می‌بینید دو لوزی خالی در وسط نقش بسته که از گرفتن تارهای کناری در دوخت و گذاشتن این قسمت، چنین طرحی ایجاد شده است، یا طرح روج بر (Roc Bar) که به دلیل کندی کار دوخت، آن را روز بر نامیده‌اند، یعنی کار دوخت آن قدر کند است که روز را زود به پایان می‌رساند.

مهم‌ترین مراکز تولید سوزن‌دوزی و انواع فرآورده‌های آن

الف- بلوچستان ایران

نام محل	فرآورده‌های بومی	فرآورده‌های جدید (سفارشی)
اسپکه متعلق به بخش لاشار در ایرانشهر	پیش‌سینه، جیب، سرآستین، پادامنی	نوار، کراوات (تصویر ۲۵)، کمربند و کوسن
هریدک بخش لاشار در ایرانشهر	پیش‌سینه، جیب، سرآستین، پادامنی	-
کویچ (نیکشهر)	پیش‌سینه، جیب، سرآستین، پادامنی	نوار، کراوات، کمربند و کوسن
پیپ (نیکشهر)	پیش‌سینه، جیب، سرآستین، پادامنی	نوار، کراوات، کمربند و کوسن
مته سنگ (نیکشهر)	پیش‌سینه، جیب، سرآستین، پادامنی و نوار	-
چانف (نیکشهر)	پیش‌سینه، جیب، سرآستین، پادامنی و نوار	آبازور، رومیزی، نوار مانتو، کوسن، کراوات، کمربند، دستمال سفره و تابلو (تصویر ۵۲)
مهنت (نیکشهر)	پیش‌سینه، جیب، سرآستین، پادامنی و نوار	-
قاسم‌آباد متعلق به بخش بمپور ایرانشهر	پیش‌سینه، جیب، سرآستین، پادامنی و نوار	پرده، سفره، روتختی، کوسن، نوار مانتو و ...
ایرندگان (خاش)	پیش‌سینه، جیب، سرآستین و پادامنی	رومیزی، پرده، سفره، دستمال سفره، کوسن و ...
گشت (سراوان)	موارد قبل و جامدان (وسایل اصلاح مردان و سرمه را در آن می‌گذارند)	کراوات
سوران (سراوان)	پیش‌سینه، جیب، سرآستین، پادامنی، جامدان	کراوات و سجاده
کلگان (سراوان)	پیش‌سینه، جیب، سرآستین و پادامنی	-
بمپور	پیش‌سینه، جیب، سرآستین و پادامنی	-
اسماعیل‌آباد (خاش)	پیش‌سینه، جیب، سرآستین و پادامنی	-
زاهدان	پیش‌سینه، جیب، سرآستین و پادامنی	رومیزی، نوار مانتو، کوسن، کمربند، کراوات دستمال، دستمال سفره و آبازور



علاوه بر موارد ذکر شده، فراورده‌هایی مثل روبالشی (تصویر ۳۲)، پستی (تصویر ۲۸، ۳۰، ۳۱ و ۳۲)، تکو «شال و روسری» (تصویر ۳۳)، رولباسی که طرح پرده نیز به همین صورت است (تصویر ۳۹) و بادبزن (تصویر ۲۶) نیز تهیه می‌شود.

ب- بلوچستان پاکستان

مهم‌ترین مراکز سوزن‌دوزی در بلوچستان پاکستان عبارتند از: کویته، تربت، کیچ (Kič)، آسیا آباد، تُمپ و مند و بلو.

فراورده‌های بومی سوزن‌دوزی بلوچستان پاکستان همان مواردی است که در بلوچستان ایران ذکر شد، به همراه روبالشی و فراورده‌های سفارشی مثل روگهواره (تصویر ۳۴)، روپشتی (تصویر ۲۹) و پرده حجله (تصویر ۳۵).

نتیجه

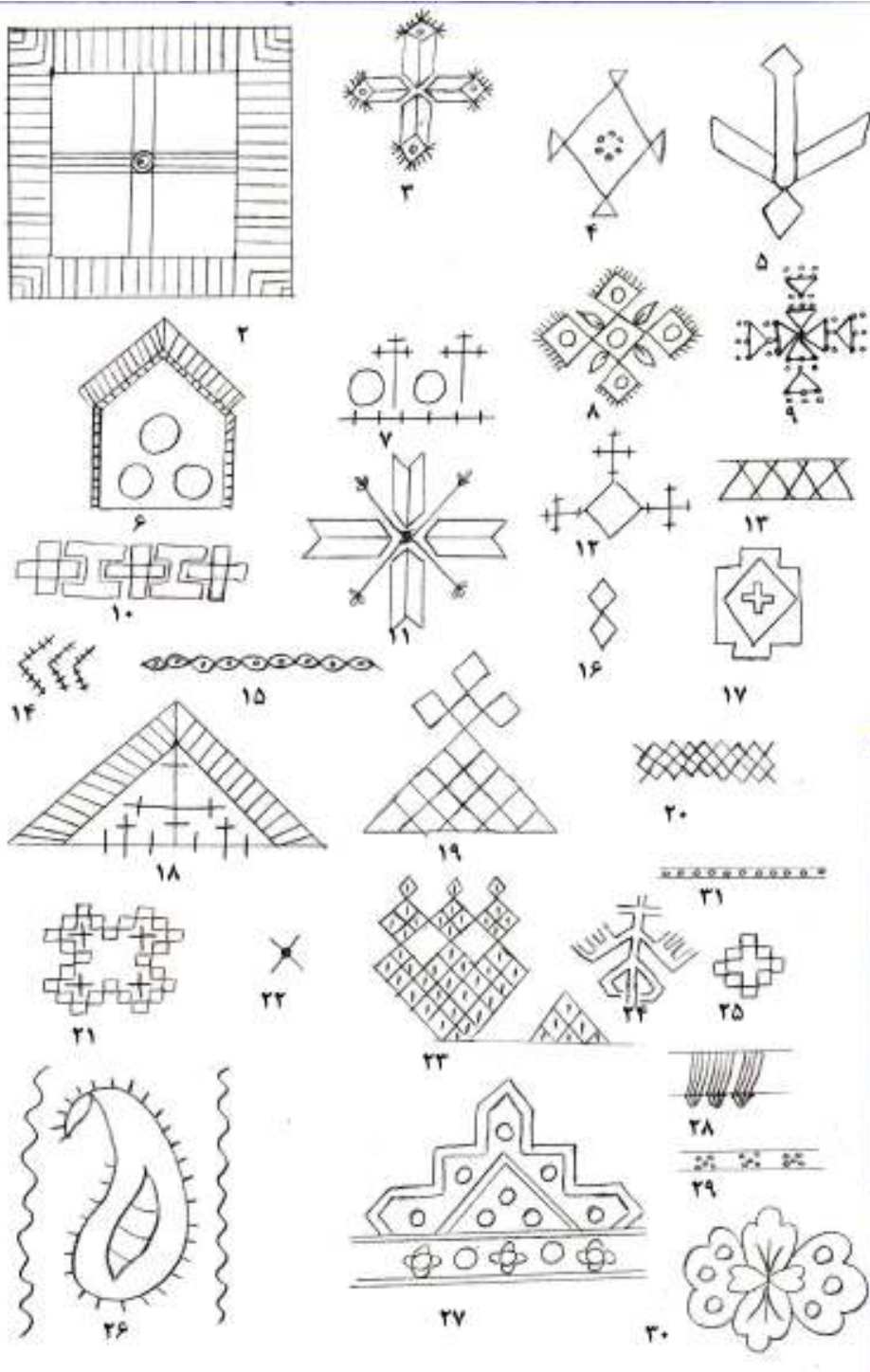
امروزه صنایع دستی برای جلب بازار دخل و تصرفی در کیفیت این هنر به وجود آورده است که به میزان قابل توجهی از ارزش فرهنگی آن کاسته است. مثلاً در سوزن‌دوزی برای سرعت و سهولت کار، نخست روی پارچه کتان حصیری یا ارگانزا که مخصوص شماره‌دوزی است، سوزن‌دوزی می‌کنند و سپس قطعه سوزن‌دوزی شده را به لباس می‌دوزند که به هیچ‌وجه ظرافت سوزن‌دوزی روی پارچه را ندارد. به‌علاوه با استفاده از این شیوه به‌تدریج نام اصلی نقوش فراموش می‌شود و جای آن را اعداد و ارقام می‌گیرد، زیرا سوزن‌دوز به‌جای اینکه نام نقش را بگوید هر نقش را بسته به تعداد تار که برای دوختن آن به کار می‌برد نام‌گذاری می‌کند؛ مثلاً چون برای دوختن نگاره «موسم» (Mōsom)، ۶ تار به کار گرفته می‌شود، به این نقش شش تار می‌گویند. در منطقه دلگان به نقش طائوس، ۶ تار و به نگاره «بکالو» ۱۹ تار می‌گویند.^{۱۰}

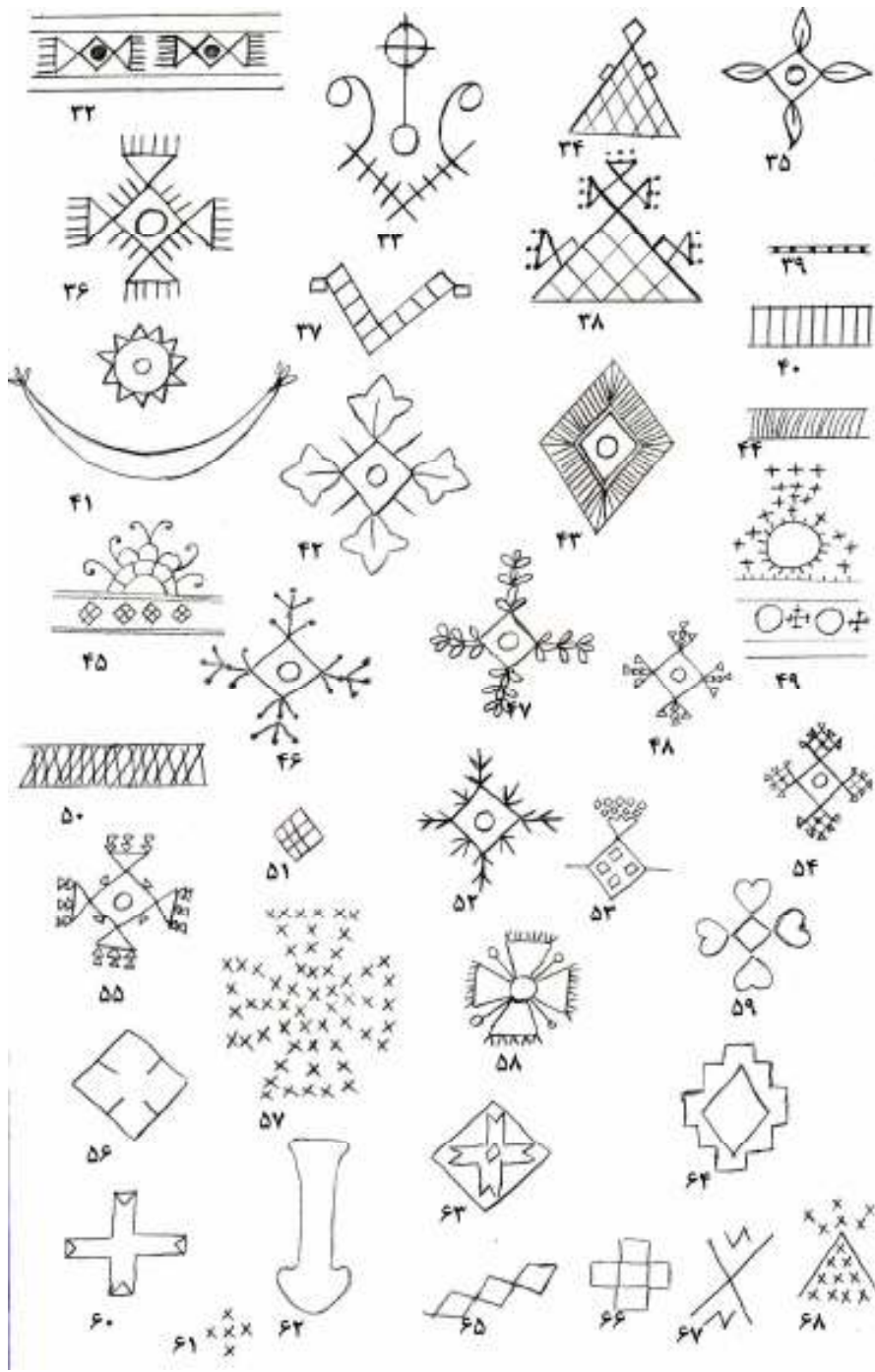
همچنین کاربرد مهر برای طرح نقش بر پارچه با دوخت بدون استفاده از مهر، دوخت متفاوتی را ایجاد می‌کند و از زیبایی آن می‌کاهد. مردم منطقه به این نقشها، تپه‌ای گفته و به آن در مقابل دست‌دوزهای الهام گرفته از تخیل برای حک نمودن نقش، به دیده حقارت می‌نگرند.

شبهات برخی طرحها به وقایع روزمره که گاه اهمیت می‌یابند و یا مکان دوخت باعث تغییر نام اصلی آنها شده تا جایی که نام اصلی از یاد رفته است مثل طرح توپ علی دایی (تصویر ۴۴) و کویطه دوچ که به دوختهای شهر کوئته پاکستان گفته می‌شود. امید که شتابزدگی نسل جدید، این هنر اصیل را که اقتصادی نیز هست به باد فراموشی نسپرده و برای پایداریش بکوشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. همت، محمود، تاریخ بلوچستان، انتشارات گلی، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۸ و ۶۱.
۲. ناصح، ذبیح‌الله، بلوچستان، مهر ۱۳۴۴، ص ۶، ۲۸-۲۱، ۱۱۷ و ۱۳۵-۱۳۴.
۳. جانب‌اللهی، محمد سعید، نقش و نگاره‌های عامیانه بلوچ، میراث فرهنگی، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۵۱-۵۰.
۴. Bulan
۵. Quetta
۶. جانب‌اللهی، محمد سعید، شماره ۱۴، ص ۵۶.
۷. همان، ص ۵۷.
۸. همان.
۹. همان، ص ۵۸.
۱۰. همان، ص ۵۹.







طرح شماره ۱: سراوانی دوچ Sarawani Doç

۹-دل پُل del pol	kappnâl	۵-کپ نال	gwarkass	۱-گورکش
۱۰-سریاک sarpâg	čakan	۶-چکن	bonok	۲-بُنک
	t uyi	۷-تویی	gōrčamm	۳-سیاه وسفید یاگور چم
	kaššok	۸-کشک	gâlâr(galad)	۴-جالار(جالڈ)



۳- جوک



۲- سنگ دوزی سراوان



۱- بویک



۶- بنارس



۵- پالتو بیکار



۴- موسم یا کج



۹- گره هل



۸- موسم بیکار



۷- کتار ه پادک



۱۲- دژ



۱۱- شمس بانور



۱۰- چندن هار



۱۵- تیک زرافشان



۱۴- زه شیرگ



۱۳- زه جالار



۱۸- تیک



۱۷- ادینکی بلوچستان پاکستان



۱۶- دختر بلوچ در لباس سوزن دوزی شده



۲۰- ٹک زرافشان (گٹھ بند)



۱۹- کویٹھ دوچ



۲۲- گٹھ بند



۲۱- کوہ بندر



۲۴- تلو موسم



۲۳- بورک



۲۶- بادبزن



۲۵- کراوات پرکار



۲۸- روبالشی مرغ پانچ



۲۷- پششی طرح دُکک یا شولک



۳۰- پششی طرح گلدان



۲۹- پششی طرح پلوار



۳۲- لکوزشال) طرح نه ادینکی



۳۱- روبالشی طرح پلوار (پنکه ای)



۳۴- پرده حجله



۳۳- گپواره



۳۸- رولباسی



۲۵- نه ادینکی

۳۶- ماه و روچ

۳۷- چوک



۴۵- صبا صبا

۴۴- آناناس

۴۷- قاشق چنگال

۴۶- پردیسی

۴۸- نه ادینکی

۵۰- هفصد ادینکی

۴۹- گپ نال

۵۱- انواع مهر (تپه)



۴۱- گپ نال

۴۰- برکار

۳۹- کوه سرعاشق

۴۲- قاشق چنگال ۴۳- توب علی دایم



۵۲- تابلوسوزن دوزی شده